

معرفی حلیۃ النبیؐ

از اعظم بہاولپوری

دکتر غلام اکبر

استاد یارگروہ زبان و ادبیات فارسی، جی سی یونیورسٹی، فیصل آباد

HULIA AL NABI BY AZAM BAHAWALPURI AN INTRODUCTORY STUDY

Ghulam Akbar, PhD

Assistant Professor of Persian

Department of Persian, G. C. University, Faisalabad

Abstract

The erstwhile state of Bahawalpur was famous for its richness and peacefulness. The state delightedly patronized literary activities and literary figures. It is why there rose many poets and prose writers. Azam Bahawalpuri was one of them. He was the first poet of the state of Bahawalpur who had a diwan to his credit. He wrote many books both in prose and verse. Some of them are *Jawahir Abbasia*, *Diwan Azam Bahawalpuri*, *Iqbal Nama*, *Maulood al-Nabi* and *Hulia al-Nabi (PBUH)*. *Hulia al-Nabi* is in Masnavi form which he wrote on request of notables of the state like Maulvi Muhammad Amin, Sheikh Raheem Shah, Qazi Pir Muhammad, Sheikh Abdullah and Mian Ilahi Bakhsh. This Masnavi is in four languages including Persian. Most of the verses are in Persian. The Masnavi was firstly published from Bahawalpur in 1879.

Keywords: جلال پور، بہاولپور، تالپور، پنجابی، فارسی، محمد صالح

اعظم بہاولپوری، نواب صادق، تذکرہ الخوانین، فارسی، پاکستان

مولوی محمد اعظم قریشی الهاشمی معروف به اعظم بهاولپوری
 فرزند مولوی محمد صالح بود. (۱) این خانواده از جلال پور کهاکھیان
 دهکده شهرستان شجاع آباد مهاجرت نموده، این دهکده هنوز هم کنار
 رودخانه چناب واقع است. مولوی محمد صالح به سبب قدر دانی
 فرمانروایان در بهاولپور مستقر شد. مولوی محمد صالح استاد و ناظم
 امور دربار عباسی و سفیر بهاولپور بوده و از طرف ریاست بهاولپور در
 دربار مهاراجا رنجیت سنگھ ماموریت های مختلف را انجام داده و در
 طب تسلط داشت و نسب وی به حضرت عبدالله بن عباس می رسد. (۲)
 تاریخ تولد اعظم بهاولپوری در هیچ مآخذی درج نشده است البته
 او در دوران های ۱۸۱۰م/ ۱۲۲۵ق. ۱۹۱۱م/ ۱۲۲۶ق می زیسته است. (۳)
 پس از آموزش های روزگار، اعظم وابسته به دربار عباسی شد و غیر از
 دارالانشاء و استادی شهزادگان عباسی در سالهای ۱۸۱۰.۱۱م/ ۱۲۲۵.۲۶ق
 بر عهده سفارت بهاولپور از طرف امرای تالپور سند مامور شد. (۴)
 سی. ای ستوری او را به عنوان مؤرخ بهاولپور معرفی می کند. (۵)
 وی در سال ۱۸۰۹م/ ۱۲۲۴ق در دوره حکومت نواب صادق محمدخان ثانی
 عباسی (حک: ۱۸۰۹. ۱۸۲۵م) به عنوان تاریخ نویس دولتی استخدام شد
 و ظاهراً است که وقتی او استخدام به تاریخ نویس دولت شده باشد سن وی
 تقریباً ۲۰ ساله بود. و به همین سبب می توان گفت که وی در حدود سال
 ۱۷۹۹.۴۰م/ ۱۸۳۰.۸۲ق در جلال پور کهاکھیان متولد شد. (۶)
 سال درگذشت وی هم به درستی معلوم نیست. آنچه در منابع
 مختلف درباره وی مرقوم شده است، وی در سال ۱۸۲۹م درگذشت و به
 گفته حسن میرانی وی در بین سالهای ۱۸۲۴.۵۲م فوت کرد. (۷)

آثار اعظم بهاولپوری

مهم ترین آثار وی بدینگونه است:

۱) جواهر عباسیه: "جواهر عباسیه" تاریخ فرمانروایان عباسیه بهاولپور است و نسخه خطی منحصر به فرد آن در کتابخانه سید انیس شاه گیلانی در صادق آباد، استان پنجاب، پاکستان موجود است. (۸)

این نسخه مشتمل است بر ۱۴۱ صفحه و هر صفحه ۱۹ سطر دارد. اندازه اش ۲۲×۲۹ س.م (۱۸×۲۲ س.م) و در خط نستعلیق شکسته نوشته شده است. اعظم در مقدمه کتاب "جواهر عباسیه" را به نام "تذکره الخوانین" نیز یاد می کند. (۹)

۲) دیوان اعظم بهاولپوری: مجموعه اعظم که به دیوان اعظم بهاولپوری شهرت دارد (۱۰) مجموعه اشعار عربی، فارسی و اردو می باشد و دارای ۸۸ منظومه فارسی، ۲ منظومه عربی و ۲۹ غزل اردو می باشد.

این نسخه خطی منحصر به فرد و اندازه قطع اش ۲۲×۱۲ س.م (۱۸×۱۲ س.م) است. تعداد کل صفحات ۱۲۱ دارای ۱۲ سطر صفحه ای می باشد و به خط نستعلیق است. نسخه در چند جا افتادگی نیز دارد.

۳) اقبال نامه: نسخه خطی منحصر به فرد آن در کتابخانه شخصی میان نورالزمان احمد اوج قریشی نگهداری می شود و ناقص اول و آخر است. این کتاب درباره تاریخ نوایان بهاولپور است. (۱۱)

۴) مولود الهنی رحمۃ اللہ علیہ: این کتاب در هیچ جا پیدا نیست و آن فقط در چند کتاب و مقاله ذکر شده است. (۱۲)

۵) خطبات بهاولپور: این کتاب هم در هیچ جا پیدا نیست. درباره فقط در چند کتاب ذکر شده است. (۱۳)

۲) حلیۃ النبی ﷺ: حلیۃ النبی ﷺ در قالب مثنوی و سراسر در ستایش است. وی به در خواست مولوی محمد امین، شیخ رحم شاه، قاضی پیر محمد، شیخ عبداللہ و میان الہی بخش ساکنان بہاولپور سرودہ است، حلیۃ النبی ﷺ مشتمل بر چہار زبان است در زبان فارسی ۲۲ صفحہ دارد و بہ ہمین صفحہ عنوان مناجات بہ زبان اردو منظومہ دعا گفتہ شدہ است و از صفحہ ۲۲ تا ۲۸ حلیۃ النبی ﷺ بہ زبان سراییکی سرودہ شدہ است و از صفحہ ۲۹ تا ۴۱ بہ عنوان ”سی حرفی“ مدح رسول ﷺ با ترتیب حروف الفبایی بہ زبان پنجابی نوشتہ شدہ است. صفحہ ۴۲ کتاب دارای خاتمہ کتاب است. و این بہ تصحیح و حواشی مولوی عطاء اللہ از مطبع صادق الانوار بہاولپور در ۲۹ شعبان ۱۲۹۲ ق/ ۸ اوت ۱۸۷۹ م بار دوم بہ چاپ رسید. قطعہ تاریخ این طباعت مولوی عطاء اللہ، مدیر روزنامہ صادق الاخبار چنین گفت:

شکر لہ کاین رسالہ طبع گشت با خط خوش وضع موزون و لطیف
پنج تن عالم ہمہ از شایقین حامل گشتند این مصرف منسیف
سال تاریخش سرورش غیب گفت بارہ دوم طبع شد حلیۃ شریف (۱۴)
(۱۲۹۲ ق)

این کتاب از دست عزیزالدین، خوشنویس دربار صادق محمد خان عباسی کتابت شد. (۱۵) عزیزالدین تاریخ کتابت این کتاب را چنین نوشتہ است:

چون بہ وقت احسن و ساعت سعید یافت زیب انطباع طبع قبول
سال تاریخ از سر صحت رسید واہ مکرر طبع شد حلیۃ رسول
(۱۲۹۲ ق)

کتابِ حلیه شد چون طبع و الله به رنگ تازه گل ز آغاز و انجام
 ز معجم گفت عیسی سال طبعش ترقی بخش ایمان زیست اسلام
 (۸۷۹م)

حلیة المنہی ﷺ با این اشعار حمد و ستایش خداوند متعال
 و پیغمبر آن آغاز می شود:

حمد مر خالق محمد راست که جمال محمدی آراست
 با چنین حسن و صورت مسعود شکل مطبوع و طلعت محمود
 فَعَلِيهِ الصُّلُوۡةُ مِنْ رِبِّهِ وَعَلَىٰ آلِهِ وَاصْحَابِهِ
 بعد ازین حلیه و صفاتش را قال و افعال و معجزاتش را
 کرد منظوم بنده اعظم از پی یادگار در عالم
 در جناب خدا قبولش باد مَرَجِبَ شَفَقَتِ رَسُوْلِهِ بِاَدَ (۱۲)
 سپس سلسله انبیاء را از آدم تا پیغمبر اکرم ﷺ بیان نموده و به
 توصیف ذات پیغمبر ﷺ چنین پرداخته است:

تکیه گاه عجم شه عربی شرف هاشمی و مطہبی
 نور چشمش ز سرمه ما زاغ بر کف از هاتفی گرفته چراغ
 مُوضِحِ الضُّلُغِ مِهْ رُوْیْشِ شَرَحِ اللَّیْلِ اِذَا غَسَقَ مَوِیْشِ
 شاهد جلوه گاه ثم دنی صاحب بارگاه او اولی
 اُمِّی اَوْ سِتَادِ عِلْمِ اَزَلِ نَاسِخِ نَسْخِ هَی جُمْلَه مِل (۱۷)
 وی درین اولین نزول وحی را چنین ذکر کرده است:

معبدش بود غار کوه حرا که شد اول نزول وحی آنجا (۱۸)
 مولوی اعظم بهاولپوری درین چهار خلیفه را در مراتب برابر
 و از همه افضل و بزرگ و برتر شمرده و گفته که دین اسلام از ایشان رونق

گرفته و درباره آنها چنین سروده است:

اولینش خلیفه بالتحقیق شیخ صدیق اکبر التصدیق
صاحب مصطفی به صدق و صفا یار و غار رفیق راه و فا
و از عمر گشته قوت دینش زیب و زینت گرفته آیینش
علم عثمان امیر ذی النورین بهم شد آیین و دین او رازین
و ان علی مرتضی کرم پرور اسد الله و صفدر و حیدر
ابن عم رسول و به عمل بتول ماه دین نبی و شرح رسول
هست هر یک خلیفه برحق کز همه یافت دین حق رونق
در مراتب همه علی الترتیب افضل اند از همه به فرط نصیب (۱۹)

بعد از این به ذکر خانواده محترم پیغمبر رسول ﷺ پرداخته و به

مدح حلیه مبارک آمده است:

پس شنو شان نبی حبیب خدا بود زیباتر از همه زیبا
افضل الکایذات و خیر بشر کان فخما مفخما به نظر (۲۰)

وی درباره شفقت پیغمبر بر یتیمان و مسکینان چنین می گوید:

شفقت و رحم داشت از دل و جان بر یتیمان و جمله مسکینان
آن چنان بود شفقت سرور که شده جمله رایه جای پدر (۲۱)

وی هم گفته است که مسلمان آن است که از دست و زبان وی

مسلمان دیگر سلامت باشند:

مسلم آن است که بود سالم از یدش و از لسان او مسلم (۲۲)

پس عضو ذات مبارک را با آیات قرآن توصیف نموده است.

بعد از این به صفات و معجزات و رفتار جمعی آن ذات مبارک پرداخته

است و با این اشعار زیبا درباره مغفرت خود چنین گفته است:

من که اعظم گناهگار ستم به جز این حیلۀ نیار ستم
که کنم ذکر آن حبیب خدا تا شود موجب نجات مرا
لایق حضرت تو گرچه نیم لیک امیدوار فضل توام (۲۲)

این مثنوی در سراپا نگاری دارای اهمیت بیشتر است و مؤلف در این مثنوی علوم بدیع همچو تجنیس را به درجه احسن به کار برده است. می توان گفت که این مثنوی در سراپا نگاری یکی از مهم ترین آثار شبه قاره است.

☆☆☆☆☆

حواشی

- (۱) اقبال شاهد، محمد، دانش، ص ۷۱
- (۲) عزیز، عزیز الرحمن، ص ۲۱
- (۳) یمین خان، آغا، ص ۱۱۱
- (۴) اقبال شاهد، محمد، هفت روزه "الهام"، ص ۳
- (۵) یمین خان، آغا، ص ۱۱۱
- (۶) میرانی، محمد حسن، ص ۷۶
- (۷) همو، همان، همانجا
- (۸) عزیز، عزیز الرحمن، ص ۲۱
- (۹) Storey, C-A, PP- 660-661.
- (۱۰) اقبال شاهد، محمد، دانش، صص ۷۵. ۷۶
- (۱۱) عزیز، عزیز الرحمن، ص ۲۲
- (۱۲) منیر احمد، ص ۱۴۸
- (۱۳) همو، همان، همانجا
- (۱۴) اعظم بهاولپوری، ص ۲۲

(۱۵)	ہمو، همان، همانجا	(۱۶)	ہمو، همان، ص ۲
(۱۷)	ہمو، همان، ص ۲	(۱۸)	ہمو، همان، ص ۵
(۱۹)	ہمو، همان، همانجا	(۲۰)	ہمو، همان، ص ۶
(۲۱)	ہمو، همان، ص ۱۳	(۲۲)	ہمو، همان، ص ۱۵
(۲۳)	ہمو همان، ص ۲۰		

کتابیات

- (۱) اعظم بہاولپوری، حلیۃ النبی، بہاول پور، مطبع صادق الانوار، ۱۸۷۹ م
- (۲) اقبال شاہد، محمد، معرفی نسخہ خطی ”جواہر عباسیہ“، فصل نامہ دانش، اسلام آباد، ۱۹۹۰ م
- (۳) اقبال شاہد، محمد، دیوان اعظم بہاولپوری، ہفت روزہ ”الہام“، بہاولپور.
- (۴) عزیز، عزیز الرحمن، ”دربار بہاول خان کے نورتن کا ایک گوہر اعظم بہاولپوری“، ”العزیز“، بہاولپور
- (۵) منیر احمد، سہم بہاولپور در ادب فارسی، پایان نامہ دورہ دکتوری، دانشگاه اسلامیہ بہاولپور
- (۶) میرانی، محمد حسن، تذکرہ حضرت ملوک شاہ، بہاولپور.
- (۷) یمین خان، آغا، نسخہ خطی جواہر عباسیہ کا تعارف، مجلہ ”علوم اسلامیہ“، بہاولپور، ۱۹۴۰ م
- (۸) Storey, C-A, Persian Literature. A Bibliographicah Survey, London, 1939

